بسم الله الرحمن الرحيم

حقوق جانشینی دولت

گفتارهایی در
تأسیس و وراثت دولت در حقوق بین‌الملل

چاپ دوم ـ با اصلاحات و اضافات

دکتر سیدجمال سیفی*

استاد دانشگاه
قاضی دیوان دعاوی ایران ـ ایالات‌متحده

پژوهشکدهٔ حقوق
تهران ـ ۱۴۰۲

---

* نویسنده همچنین، «استاد میهمان» دانشگاه هال، انگلیس (۱۹۹۹-۲۰۰۰)، «استاد کرسی حقوق جهانی» (برای سال ۲۰۱۵) و «استاد ممتاز میهمان» دانشگاه تیلبورخ، هلند (۲۰۱۶ - ۲۰۲۱)، «استاد میهمان» دانشگاه ویکتوریا، کانادا (۲۰۱۷-۲۰۲۴)، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و سرپرست بخش ایران پروژه دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل عمومی در آسیا، بنیاد آسیایی توسعه حقوق بین‌الملل ـ انتشارات بریل نایهف (۲۰۲۱)، بوده است.

سرشناسه	:	سیفی، سیدجمال، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	حقوق جانشینی دولت: گفتارهایی در تاسیس و وراثت دولت در حقوق بین‌الملل/ سیدجمال سیفی.
وضعیت ویراست	:	ویراست ۲.
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۴۲۷ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۲۰۴-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	ص.ع. به انگلیسی: Jamal Seifi. The law of state succession reflections on creation and succession...
عنوان دیگر	:	گفتارهایی در تاسیس و وراثت دولت در حقوق بین‌الملل.
موضوع	:	جانشینی دولت‌ها
موضوع	:	State succession
رده‌بندی کنگره	:	KZ۴۰۲۴
رده‌بندی دیویی	:	۳۴۱/۲۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۳۶۰۲۶۵

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

https://**sdil.ac.ir**/shop/

عنوان: **حقوق جانشینی دولت: گفتارهایی در تأسیس و وراثت دولت در حقوق بین‌الملل**

تألیف: **دکتر سیدجمال سیفی**

ناشر: پژوهشکده حقوقی شهر دانش

ویراستار و صفحه‌آرا: زهرا کریمی

طراح جلد: زهرا کریمی

نوبت چاپ: دوم

ویرایش: دوم

تاریخ چاپ: ۱۴۰۲

شمارگان: ۳۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۲۰۴-۶

بهاء: ۴۲۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریمخان زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵

کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Email: publication@sdil.ac.ir Website: http://www.sdil.ac.ir

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفاء می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانون‌گذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت و هیچ‌گاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه‌بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

کشور ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل‌توجهی در توسعه کمّی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به‌مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمّی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی موردنیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات پژوهشکده حقوقی شهر دانش که همواره سعی داشته است علاوه‌بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به‌صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتاب‌های حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات موردنیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات استاد محترم، جناب آقای **دکتر سیدجمال سیفی** در تألیف کتاب **حقوق جانشینی دولت: گفتارهایی در تأسیس و وراثت دولت در حقوق بین‌الملل** را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورداستفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست اجمالی مطالب

سخن ناشر ۵

فهرست تفصیلی مطالب ۹

پیشگفتار چاپ اول ۱۷

پیشگفتار چاپ دوم ۲۲

گفتار مقدماتی: مفهوم «جانشینی دولت» و پیشینهٔ آن ۲۵

گفتار نخست: مفهوم «دولت» و تأسیس آن مطابق حقوق بین‌الملل ۳۳

گفتار دوم: «کسب سرزمین» و ارتباط آن با ایجاد و بسط «دولت» در حقوق بین‌الملل ۸۵

گفتار سوم: مبانی نظری «استمرار» و «جانشینی» دولت ۱۲۸

گفتار چهارم: جانشینی دولت‌ها در معاهدات ۱۴۸

گفتار پنجم: جانشینی دولت در مسؤولیت بین‌المللی ۲۱۳

گفتار ششم: جانشینی دولت‌ها در اموال، اسناد و بدهی‌های دولتی ۲۵۹

گفتار هفتم: جانشینی دولت‌ها در تابعیت اشخاص حقیقی ۲۹۰

گفتار نهایی: نتیجه‌گیری ۳۲۱

کتاب‌شناسی ۴۲۰

فهرست تفصیلی مطالب

سخن ناشر ۵
فهرست اجمالی مطالب ۷
پیشگفتار چاپ اول ۱۷
پیشگفتار چاپ دوم ۲۲
گفتار مقدماتی: مفهوم «جانشینی دولت» و پیشینهٔ آن ۲۵
۱. مفهوم «جانشینی دولت» ۲۵
۲. پیشینهٔ جانشینی دولت‌ها و تدوین قواعد مرتبط با آن ۲۷
گفتار نخست: مفهوم «دولت» و تأسیس آن مطابق حقوق بین‌الملل ۳۳
مقدمه ۳۳
۱. تأملی در مبانی نظری «دولت» ۳۷
الف) دیدگاه «واقعیت محض» ۴۷
ب) دیدگاه «برساخت حقوقی» ۴۹
۲. خصوصیات کلی «دولت» در حقوق بین‌الملل ۵۱
۳. عناصر شاکلهٔ دولت و ارتباط آن‌ها با «اِعمال اقتدار مؤثر» ۵۵
الف) جمعیت دائمی ۵۹
ب) سرزمین معین ۶۰
ج) حکومت ۶۲
د) اهلیت برقراری روابط با سایر دولت‌ها ۷۰
ه) استقلال ۷۱
(ه)-(۱) استقلال رسمی ۷۴
(ه)-(۲) استقلال واقعی ۷۶
و) حاکمیت ۷۷
ز) دیگر معیارهای مطرح‌شده در احراز دولت ۷۹
۴. معیارهای نوین حقوق بین‌الملل در احراز دولت ۸۱

گفتار دوم: «کسب سرزمین» و ارتباط آن با ایجاد و بسط «دولت» در حقوق بین‌الملل ۸۵

مقدمه ۸۵
۱. مفهوم «کسب سرزمین» ۸۸
۲. ارتباط میان سرزمین و دولت: روش‌های «کسب سرزمین» و ایجاد «حاکمیت سرزمینی» ۹۰
۳. طبقه‌بندی انواع «حقوق دولت بر سرزمین» ۹۱
الف) «حاکمیت سرزمینی» و «اختیار ادارهٔ سرزمین» ۹۲
ب) مبانی و روش‌های کسب حاکمیت سرزمینی «اصلی» و «تبعی» ۹۳
۴. «تصرف مؤثر» ۹۵
الف) مفاهیم «تصرف مؤثر» و «سرزمین بلاصاحب» ۹۵
ب) عناصر مکمل یا معارض تصرف؛ «استقرار سرزمینی مؤثر» ۹۹
(ب)-(۱) مفهوم «استقرار سرزمینی مؤثر» ۹۹
(ب)-(۲) نهادهای مجاز به اِعمال حاکمیت دولتی ۱۰۰
(ب)-(۳) اَعمال ارتکابی توسط ارگان‌های دولتی ۱۰۰
(ب)-(۴) اَعمال ارتکاب‌یافته توسط نهادهای خصوصی ۱۰۰
(ب)-(۵) محتوای اَعمال حاکی از اِعمال حاکمیت در رویهٔ قضایی بین‌المللی ۱۰۲
(ب)-(۶) عنصر ذهنی: قصد بر عمل نمودن به عنوان «حاکم» ۱۰۳
(ب)-(۷) نقش «استقرار سرزمینی مؤثر» و «حق حاکمیت سرزمینی» در اختلافات سرزمینی ۱۰۴
(ب)-(۸) «استقرار سرزمینی مؤثر» و «رفتار دولت» ۱۰۶
۵. «فتح سرزمین» ۱۰۶
۶. «مرور زمان مُمَلک» ۱۰۸
۷. «واگذاری بخشی از سرزمین» ۱۱۱
۸. «گسترش طبیعی سرزمین» ۱۱۵

۹. رویکردهای دیگر در کسب حاکمیت سرزمینی: تحکیم تاریخی حاکمیت سرزمینی ۱۱۶
۱۰. نقش اصول بنیادین حقوق بین‌الملل ۱۱۷
(الف) اصل تمامیت سرزمینی ۱۱۷
(ب) اصل حق تعیین سرنوشت ۱۲۰
(ج) اصل ممنوعیت توسل به زور ۱۲۳
۱۱. قواعد فنی راجع به اختلافات سرزمینی ۱۲۴
(الف) تاریخ سرنوشت‌ساز یا تاریخ قاطع ۱۲۴
(ب) حقوق بین زمانی ۱۲۵
گفتار سوم: مبانی نظری «استمرار» و «جانشینی» دولت ۱۲۸
مقدمه ۱۲۸
۱. «استمرار دولت» و ارتباط آن با «جانشینی دولت‌ها» ۱۲۸
الف) استمرار یا جانشینی دولت: ضرورت تشخیص وضعیت ۱۳۱
ب) نمونه‌های پیشین تردید میان «استمرار یا جانشینی دولت» ۱۳۵
ج) رابطهٔ «استمرار دولت» و «جانشینی دولت» ۱۳۷
د) مصادیق خاص استمرار دولت ۱۳۸
(د)-(۱) کودتا و انقلاب ۱۳۸
(د)-(۲) تصرف نظامی توسط دولت‌های خارجی ۱۳۸
(د)-(۳) «دولت‌های ناتوان» ۱۳۹
(د)-(۴) استقلال واحدهای تشکیل‌دهندهٔ دولت‌های فدرال ۱۴۰
(د)-(۵) تأثیر وقوع تغییرات سرزمینی بر استمرار یا جانشینی دولت ۱۴۱
۲. نظریه‌های جانشینی دولت ۱۴۲
الف) نظریات مبتنی‌بر «تداوم» حقوق و تعهدات ۱۴۲
(الف)-(۱) نظریهٔ «جانشینی فراگیر» ۱۴۲
(الف)-(۲) نظریهٔ «جایگزینی ارگانیک» ۱۴۳
ب) نظریات مبتنی‌بر «عدم‌تداوم» حقوق و تعهدات یا نظریهٔ «لوح پاک» ۱۴۳

(ب)-(۱) نظریهٔ «لوح پاک» مبتنی‌بر تحلیل پوزیتویستی و ارادی از حقوق بین‌الملل ۱۴۴
(ب)-(۲) نظریهٔ «لوح پاک» مبتنی‌بر دیدگاه ضداستعماری و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها ۱۴۴
۳. نظریات مختلط، موردی و تجربی ۱۴۵

گفتار چهارم: جانشینی دولت‌ها در معاهدات ۱۴۸

مقدمه ۱۴۸
۱. پیشینهٔ جانشینی دولت‌ها در معاهدات ۱۴۸
۲. چهارچوب کلی نظام حقوقی حاکم بر جانشینی دولت‌ها در معاهدات ۱۴۹
الف) ماهیت حقوقی جانشینی دولت ۱۴۹
ب) محتوای نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر جانشینی دولت ۱۵۵
۳. انواع مختلف جانشینی و نسبت آنها با معاهدات ۱۵۶
الف) معاهدات مرزی، معاهدات موجد رژیم‌های مرزی و معاهدات موجد حقوق ارتفاقی و حقوق انتفاعی ۱۵۸
(الف)-(۱) معاهدات مرزی و اصل «ثبات مرزها» ۱۵۸
(الف)-(۲) معاهدات مرزی و معاهدات موجد رژیم‌های مرزی ۱۶۳
(الف)-(۳) معاهدات سرزمینی موجد حقوق ارتفاقی و انتفاعی ۱۶۶
ب) واگذاری بخشی از سرزمین از دولتی به دولت دیگر ۱۷۱
ج) دولت‌های تازه‌استقلال‌یافته ۱۷۶
د) وحدت و ادغام دولت‌ها ۱۷۹
ه) انحلال و تجزیهٔ دولت ۱۸۶
۴. جانشینی نسبت به معاهدات چندجانبه ۱۹۳
الف) معاهدات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ۱۹۳
ب) معاهدات عضویت در سازمان‌های بین‌المللی ۱۹۴
ج) تحفظ دولت سابق نسبت به معاهدات چندجانبه ۱۹۷
۵. جانشینی نسبت به معاهدات دوجانبهٔ سرمایه‌گذاری ۱۹۷

گفتار پنجم: جانشینی دولت در مسؤولیت بین‌المللی ۲۱۳

مقدمه ۲۱۳
۱. ماهیت تعهدات ناشی از حقوق مسؤولیت بین‌المللی ۲۱۳
(الف) «انتساب» رفتار به دولت ۲۱۵
(ب) «نقض تعهد» ۲۲۱
(ج) آثار و نتایج مسؤولیت بین‌المللی ۲۲۵
۲. نظریات راجع به جانشینی در مسؤولیت بین‌المللی ۲۳۰
(الف) قاعدهٔ عدم‌جانشینی نسبت به مسؤولیت بین‌المللی ۲۳۰
(ب) تغییرات در قاعدهٔ عدم‌جانشینی نسبت به مسؤولیت بین‌المللی ۲۳۷
۳. احکام و مسائل کلی جانشینی در مسؤولیت بین‌المللی ۲۴۶
(الف) تعهدات «دولت جانشین» به‌عنوان «دولت مرتکب عمل متخلفانه» ۲۴۸
(ب) حقوق «دولت جانشین» به‌عنوان «دولت زیان‌دیده» ۲۵۴

گفتار ششم: جانشینی دولت‌ها در اموال، اسناد و بدهی‌های دولتی ۲۵۹

مقدمه ۲۵۹
۱. جانشینی نسبت به «اموال دولتی» ۲۶۰
الف) منابع بحث ۲۶۰
ب) اصول کلی حاکم بر جانشینی در اموال دولتی ۲۶۳
ج) احکام کنوانسیون وین ۱۹۸۳ راجع به جانشینی دولت‌ها در اموال دولتی ۲۶۷
۲. جانشینی نسبت به «اسناد دولتی» ۲۷۱
الف) تعاریف و اصول کلی ۲۷۱
ب) احکام کنوانسیون وین ۱۹۸۳ راجع به جانشینی در اسناد دولتی ۲۷۴
۳. جانشینی نسبت به «بدهی‌ها»ی دولت پیشین ۲۷۷
الف) تعاریف و اصول کلی ۲۷۷
ب) احکام کنوانسیون وین ۱۹۸۳ راجع به جانشینی در بدهی‌های دولتی ۲۸۰
۴. نظام عرفی حاکم بر جانشینی دولت‌ها در اموال، اسناد و بدهی‌های دولت ۲۸۱
الف) قواعد عام ۲۸۱

ب) قواعد خاص ۲۸۲
(ب)-(۱) اتحاد دولت‌ها ۲۸۲
(ب)-(۲) جدایی و انحلال کامل ۲۸۲
(ب)-(۳) واگذاری (بخشی از سرزمین) ۲۸۷
(ب)-(۴) «بدهی‌های منفور» ۲۸۷
(ب)-(۵) حقوق مکتسبه ۲۸۸

گفتار هفتم: جانشینی دولت‌ها در تابعیت اشخاص حقیقی ۲۹۰

مقدمه ۲۹۰
۱. مبانی نظری و اصول کلی ۲۹۱
الف) مبانی نظری ۲۹۱
ب) اصول کلی ۳۰۰
۲. احکام جانشینی دولت‌ها در تابعیت اشخاص حقیقی ۳۰۸
الف) قواعد عام ۳۰۸
ب) قواعد خاص ۳۱۰
(ب)-(۱) واگذاری بخشی از سرزمین ۳۱۰
(ب)-(۲) وحدت دولت‌ها ۳۱۱
(ب)-(۳) فروپاشی و انحلال کامل دولت ۳۱۳
(ب)-(۴) جدایی بخش یا بخش‌هایی از سرزمین دولت ۳۱۵
(ب)-(۵) سخن نهایی در مورد بی‌تابعیتی (آپاترید) ۳۱۸

گفتار نهایی: نتیجه‌گیری ۳۲۱

پیوست‌ها ۳۳۳
کنوانسیون وین راجع به جانشینی دولت‌ها در معاهدات (۱۹۷۸) ۳۳۴
کنوانسیون وین راجع به جانشینی دولت‌ها در اموال، اسناد و بدهی‌های دولتی (۱۹۸۳) ۳۶۴
مواد راجع به جانشینی دولت‌ها در تابعیت اشخاص حقیقی ۳۸۵
(کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۹۹) ۳۸۵
پیش‌نویس موقت مواد راجع به جانشینی دولت‌ها در مسؤولیت دولت ۳۹۶
(کمیسیون حقوق بین‌الملل، تا سال ۲۰۲۱) ۳۹۶

فهرست لغات و اصطلاحات (فارسی به انگلیسی) ۴۰۸
فهرست لغات و اصطلاحات (انگلیسی به فارسی) ۴۱۴
کتاب‌شناسی ۴۲۰

پیشگفتار چاپ اول

عنوان فرعی این کتاب، «وراثت دولت در حقوق بین‌الملل» است. لیکن، واژهٔ وراثت که مفهومی ریشه‌دار و برگرفته از حقوق داخلی است، تشابه کمی با مقولهٔ «جانشینی دولت» در حقوق بین‌الملل دارد، به‌جز اینکه هر دو مفهوم به حوزهٔ انتقال (عدم انتقال) قهری حقوق و تعهدات تعلق دارند. تشبیه نابجای حقوق بین‌الملل با حقوق داخلی می‌تواند گمراه‌کننده باشد، لیکن واقعیت این است که دانش‌آموختگان حقوق در آغاز با حقوق داخلی و ملی آشنا می‌شوند و تنها پس از اینکه با مفاهیم، نهادها و مقولات حقوق داخلی انس پیدا کردند به مطالعهٔ حقوق بین‌الملل می‌پردازند و سرانجام همواره ناگزیر از ارجاعات، تشبیهات و مقایسه با مفاهیم موجود در حقوق داخلی هستند؛ بنابراین ضمن توجه به تفاوت‌های ساختاری دو نظام حقوقی مذکور، استفاده از مفاهیم حقوق داخلی می‌تواند در تبیین و استقرار موضوع در قالب ذی‌ربط مؤثر باشد.

از سوی دیگر، توجه به تفاوت‌های ساختاری دو نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی و اجتناب از تشبیه مفاهیم به‌ویژه در حوزه‌هایی که مختص ساختار مربوط است، ضروری به نظر می‌رسد. یکی از این موارد، شناخت پدیدهٔ دولت و هویت آن به عنوان شخص حقوقی بین‌المللی و همچنین رابطه‌ای است که موجود مذکور با دولت‌های دیگر برقرار می‌کند.

باید توجه داشت که حقوق بین‌الملل در کلیت خود، بیش از هر چیز، با «دولت» ـ این اصیل‌ترین و اصلی‌ترین شخصیت بین‌المللی ـ مواجه است و کمتر مبحث حقوقی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که به دولت مربوط نباشد. کتاب‌های آموزش عمومی حقوق بین‌الملل در اغلب کشورها با مبحث منابع حقوق بین‌الملل آغاز می‌شوند و مباحثی مانند رابطهٔ حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، شخصیت بین‌المللی، کسب حاکمیت سرزمینی، صلاحیت دولت، مصونیت دیپلماتیک، حقوق دریاها، مسؤولیت دولت، حقوق معاهدات، استفاده از زور، حل و فصل اختلافات بین‌المللی، حقوق بشر و محیط‌زیست را مورد بحث قرار می‌دهند. تمام مباحث مذکور با پدیدهٔ دولت مرتبط‌اند. به‌عنوان‌مثال، منابع حقوق بین‌الملل عمدتاً در مقام تبیین حقوق و تعهدات معاهداتی و رویهٔ عرفی دولت است. شخصیت بین‌المللی، ابعاد و وجوه شخصیت دولت (و البته دیگر اشخاص بین‌المللی) را مورد بحث قرار می‌دهد. مبحث کسب حاکمیت سرزمینی، چگونگی کسب سرزمین توسط دولت و مبحث صلاحیت ابعاد صلاحیت‌های تقنینی، قضائی و اجرائی دولت را مورد بحث قرار می‌دهد. در حقوق بین‌الملل

دریاها، عمدتاً بحث بر سر این است که قلمروها و حدود دریاییِ «دولت‌ها» و مناطق دریای آزاد کدامند و دولت‌ها از چه حقوق و تکالیفی در این قلمروها و مناطق برخوردارند؛ یا در حقوق بین‌الملل معاهدات، عمدتاً این پرسش مطرح می‌گردد که «دولت‌ها» در انعقاد معاهدات چگونه به ایفای نقش می‌پردازند و چه حقوق و تعهداتی برای خود ایجاد می‌کنند. مبحث مسؤولیت دولت نیز مقولهٔ نقض تعهدات از ناحیه دولت را مورد بحث قرار می‌دهد. حتی مباحثی مانند حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز اساساً با پدیده دولت مرتبط‌اند، چراکه ضمن پیگیری هدف انتفاع اشخاص انسانی از مواهب مذکور، تعهدات معاهداتی و عرفی دولت‌ها

شایان ذکر است که حتی با ورود سازمان‌های بین‌المللی به عرصهٔ حقوق بین‌الملل نیز تغییر و تحولات بنیادین و ساختاری در روابط و مناسبات حقوقی بین‌المللی ایجاد نشده است. به بیان کرافورد، موجودیت سازمان‌های بین‌المللی دارای اصالت نیست بلکه با ارادهٔ دولت‌های مؤسس سازمان‌های مذکور حاصل شده و آنان شخصیتی تَبَعی دارند که محدود به صلاحیت‌های مذکور در سند مؤسس آنهاست،[۱] حتی اگر موجودیت برخی از این سازمان‌ها به واقعیتی عینی تبدیل شده باشد. با این تفسیر، مهم‌ترین سازمان بین‌المللی موجود یعنی سازمان ملل متحد نه یک اَبَردولت جهانی بلکه سازمانی عمدتاً بین‌الدولی است که برای هماهنگی امور بین دولت‌ها و همکاری بین آن‌ها و همچنین همکاری با دیگر سازمان‌های بین‌الدولی تأسیس شده است؛ و البته تولیت برخی امور مهم مانند صلح و امنیت بین‌المللی را از طریق مشارکت و ایفای نقش دولت‌های عضو شورای امنیت بر عهده دارد. همهٔ این موارد اهمیت مفهوم دولت و توجه جدی به مبانی و آثار این موضوع در حقوق بین‌الملل را نمایان می‌سازد.[۲]

---

۱. به تعبیر او، «هر سازمان بین‌المللی ... تنها در محدوده‌ای که سند مؤسس آن سازمان اعطاء نموده یا در محدوده‌ای که به نحوی صحیح از آن سند استنباط می‌شود، دارای اختیار تلقی می‌شود». از سوی دیگر اما «دولت‌ها در مقابلِ سایر تابعین حقوق بین‌الملل ـ مانند اشخاص، گروهی از اشخاص، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و... که دارای «حاکمیت» نیستند ـ قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، سازمان‌های بین‌المللی دارای «شخصیت حقوقی بین‌المللی» تلقی می‌شوند و می‌توانند در سطح بین‌المللی به فعالیت بپردازند، اما دارای «حاکمیت» محسوب نمی‌شوند: سازمان‌های بین‌المللی در بهترین حالت می‌توانند برخی اقتدارات دولتی را ـ به واسطهٔ فرآیندهایی مانند تفویض اختیار توسط دولت‌های عضو آن‌ها ـ به انجام رسانند ... [اما] دولت‌ها در سطح بین‌المللی به منظور انجام فعالیت، انعقاد معاهدات و... دارای *صلاحیتی جامع* هستند. این صلاحیت جامع، خود، یکی از معانی «حاکمیت» تلقی می‌شود».

Cf. James Crawford, '*Chance, Order, Change: The Course of International Law*, General Course on Public International Law', *Recueil des cours*, vol. 365, 2013, pp. 71–72 & 303.

۲. جای تأسف است که برنامه‌های درسی تحصیلات تکمیلی حقوق بین‌الملل در ایران در دورهٔ کارشناسی ارشد اساساً درسی برای آموزش مقولهٔ دولت ندارد و تنها درس اختیاری «تأسیس و جانشینی دولت» را در خود جای

←

کتاب حاضر پدیدهٔ *جانشینی دولت* و آثار و نتایج آن را از منظر حقوق بین‌الملل عمومی مورد بحث قرار می‌دهد. جانشینی دولت ازنظر تحلیلی، از مقولات انتقال قهری حقوق و تعهدات است و به این مناسبت شباهتی هرچند اندک با مبحث ارث و وراثت در حقوق خصوصی دارد. هرگاه حاکمیت یا قدرت ادارهٔ یک دولت بر سرزمینی به‌طورکلی یا جزئی از بین برود و حاکمیت یا قدرت ادارهٔ دولت دیگری بر آن سرزمین برقرار گردد، پدیدهٔ جانشینی دولت مطرح می‌شود. درنتیجهٔ جانشینی دولت، مسائل حقوقی زیادی راجع‌به اصل پدیدهٔ جانشینی و به‌تبع آن، آثار جانشینی بر حقوق، تعهدات، اموال، اسناد، بدهی‌ها، مسؤولیت دولت و مسائل دیگر، نیازمند بررسی و تشخیص وضعیت می‌گردند.

تجربهٔ حدود سی سال تدریس این درس در دورهٔ تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های کشور و پیگیری تحولات مرتبط با این مبحث در صحنهٔ حقوق و روابط بین‌الملل، برای نویسندهٔ کتاب این فرصت را فراهم می‌آورد که تجربیات تدریس و پژوهش خویش را در این موضوع به رشتهٔ نگارش درآورده و نظرگاه‌های خود را با دانش‌آموختگان، پژوهشگران و دانشجویان حقوق بین‌الملل در میان بگذارد.

شروع تدریس نویسنده در این درس ـ در سال ۱۳۷۰ شمسی در دورهٔ کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل در دانشگاه شهید بهشتی ـ هم‌زمان بود با تحولات بسیار مهمی در صحنهٔ بین‌المللی که مباحث ظاهراً کمتر گریبان‌گیر جانشینی دولت را مجدداً احیا نموده و حائز اهمیت ساخته بود. آلمان شرقی یا جمهوری دموکراتیک آلمان با آلمان غربی یا جمهوری فدرال آلمان وحدتِ مجدد پیدا کرده و در آن ادغام شده بود. ساختار سیاسی و دولتی اتحاد جماهیر شوروی دچار فروپاشی گردیده و چهارده کشور از آن جدا شده و اعلام استقلال نموده بودند. حتی در آغاز، وضعیت فدراسیون روسیه از حیث اینکه موجودیت آن، *استمرار* شخصیت اتحاد جماهیر شوروی است یا اینکه این دولت را نیز باید در کنار چهارده دولت جداشده از اتحاد جماهیر شوروی، پانزدهمین جانشین شوروی شناخت، محل بحث و اختلاف‌نظر بود. تفاوت و نتایج اطلاق یکی از دو وضعیت مذکور نسبت به فدراسیون روسیه، کاملاً بارز و دامنه‌دار بود. به‌عنوان‌مثال، در صورت تثبیت تلقی جانشینی شوروی برای روسیه، برخورداری روسیه از حق عضویت دائم در شورای امنیت و نتیجتاً حق وتویی که به‌موجب منشور ملل

داده است که آن هم بدون مشورت با اهل فن در اوان دههٔ هشتاد شمسی از دو واحد به یک واحد درسی تقلیل داده شد، در حالی که اساس مطالعهٔ حقوق بین‌الملل در شناخت پدیدهٔ دولت نهفته است. گنجاندن درس اختیاری «دولت» در میان درس‌های دورهٔ دکتری حقوق بین‌الملل نیز از نظر مراحل مطالعاتی موضوع بسیار دیرهنگام است و در عین حال درسی اختیاری است که اغلب به دلایل نامعلوم برگزار نمی‌گردد.

متحد برای اتحاد شوروی پیش‌بینی‌شده بود، در معرض تردید جدی قرار می‌گرفت. درحالی‌که با فرض استمرار شخصیت اتحاد شوروی در فدراسیون روسیه ـ فرضی که در رویهٔ دولت‌ها و سازمان ملل متحد نیز شناسایی و تثبیت شد ـ روسیه کلیهٔ حقوق و امتیازات اتحاد شوروی در منشور (ازجمله حق عضویت دائم در شورای امنیت و نتیجتاً حق وتو) را برای خود حفظ نمود و استمرار بخشید. فروپاشی و انحلال جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی نیز مباحث سنگینی را در حوزهٔ مسائل جانشینی ـ چه از منظر تشخیص وضعیت «استمرار» یا «جانشینی»؛ و چه از منظر احکام جانشینی ـ مطرح ساخت و مدت‌ها جامعهٔ اروپای آن روز و سازمان ملل متحد را مشغول خود ساخت و البته به غنای مباحث حقوقی مربوط کمک نمود.

همهٔ موارد مذکور در بالا، نیاز به نشر و گسترش ادبیات حقوق تأسیس و جانشینی دولت را کاملاً آشکار می‌سازد. علی‌رغم توسعه کمی و کیفی آموزش و پژوهش حقوق بین‌الملل در ایران، ما هنوز در آغاز راهیم و نیاز به نشر کتب، مقالات و پژوهش‌های جدید کاملاً احساس می‌شود و رهرو می‌طلبد. امید است نشر تأملات و دیدگاه‌های نویسنده در مورد مباحث جانشینی دولت بتواند در گسترش، تعمیق، تشویق و ارتقای بحث مؤثر افتد.

کتاب حاضر شامل گفتارهایی از مفهوم «جانشینی دولت» و پیشینهٔ آن، مفهوم «دولت» و تأسیس آن مطابق حقوق بین‌الملل، «کسب سرزمین» و ارتباط آن با ایجاد و بسط «دولت» در حقوق بین‌الملل، مفهوم «استمرار دولت» و ارتباط آن با «جانشینی دولت‌ها»، جانشینی دولت‌ها در معاهدات، جانشینی دولت‌ها در مسؤولیت بین‌المللی، جانشینی دولت‌ها در اموال، اسناد و بدهی‌های دولتی و جانشینی دولت‌ها در تابعیت اشخاص است.

انجام این کار مدیون تلاش شبانه‌روزی و زحمات بی‌دریغ آقای دکتر وحید رضادوست است. ایشان با پشتکاری بی‌انتها و استعدادی سرشار در تقریر مباحث این‌جانب و پژوهش در ادبیات حقوقی، رویهٔ قضایی و منابع علمی اقدام نمودند و با فروتنی گفتارها، نقطه‌نظرات و تذکرات مرا در بسیاری از مباحث پیگیری نمودند. از همکاری صمیمانهٔ ایشان بی‌نهایت خرسند و سپاسگزارم.

شایان ذکر است که در انتهای کتاب، مهم‌ترین اَسناد مربوط به مباحث نیز به‌عنوان پیوست به زبان فارسی آورده شده‌اند و ترجمهٔ فارسی آن‌ها محصول کار آقای دکتر رضادوست است که مورد نظارت و تأیید این‌جانب نیز بوده است. این اَسناد عبارتند از: کنوانسیون وین راجع به جانشینی دولت‌ها در معاهدات (۱۹۷۸)، کنوانسیون وین راجع به جانشینی دولت‌ها در اموال، اسناد و بدهی‌های دولتی (۱۹۸۳)، مواد راجع به جانشینی دولت‌ها در تابعیت اشخاص حقیقی (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۹۹) و پیش‌نویس مواد موقت راجع‌به جانشینی دولت‌ها در

مسؤولیت دولت (کمیسیون حقوق بین‌الملل، پیش‌نویس موقت تا ۲۰۲۱). در مورد اخیر گرچه تاکنون متن رسمی در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ارائه نشده است، در نوشتار حاضر تلاش شده است مواد مندرج در گزارش‌های ارائه‌شده توسط گزارشگر ویژهٔ این بحث در کمیسیون حقوق بین‌الملل استخراج شود و به‌صورت «طرحی موقت» (و روزآمد تا سال ۲۰۲۱) - علاوه‌بر استفاده در متن اثر ـ در پایان کتاب آورده شود تا محققین ایرانی بتوانند با آخرین دستاوردهای کمیسیون در این زمینه نیز آشنا شوند.

همچنین، از خانم دکتر زهرا آژئر برای مرور ادبی پیش‌نویس گفتارهای نخست تا پنجم و تهیه نُسَخ شماری از منابع برای این‌جانب و همچنین آقای دکتر کمال جوادی برای مرور ادبی پیش‌نویس پیشگفتار و گفتار نهائی، بسیار سپاسگزارم. بدیهی است که مسؤولیت اظهارات، مطالب و مباحث کتاب تماماً بر عهده این‌جانب است.

سیدجمال سیفی

بهمن ۱۴۰۰ / فوریه ۲۰۲۲ / لاهه

پیشگفتار چاپ دوم

خوشحالم که در کمتر از یک سال کتاب حقوق جانشینی دولت با استقبال جامعه حقوقی ایرانی مواجه شده و به چاپ دوم رسیده است. همچنین جای خرسندی و سپاسگزاری است که چاپ اول این کتاب در «اولین جشنواره ملی آثار و تألیفات حقوقی بین‌المللی در بخش آثار اساتید پیشکسوت» (خرداد ۱۴۰۲)، مورد تجلیل قرار گرفته و لوح تقدیر دریافت نموده است.

چاپ دوم کتاب ساختار چاپ اول و گفتارهای آن را حفظ نموده، لیکن همراه با ویراستاری اندک نگارشی در متون قبلی است. به ویژه، با توجه به صدور و انتشار آراء داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی در مقوله جانشینی نسبت به معاهدات سرمایه‌گذاری در یکی دو سال اخیر در ارتباط با وضعیت شبه‌جزیره کریمه در پرتو تسلط روسیه بر آن از سال ۲۰۱۴ میلادی، مبحث «جانشینی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری» در انتهای گفتار چهارم گسترش داده شده و بررسی و تحلیل آراء داوری جدید به این مبحث افزوده شده است.

در همین برهه زمانی و پس از انتشار چاپ اول کتاب حقوق جانشینی دولت، مقالات اینجانب تحت عنوان «رژیم حقوقی دریای خزر، گذشته، حال و آینده: از طرح جانشینی دولت تا وضع کنوانسیون آکتائو (۲۰۱۸) در دو قسمت (قسمت اول: طرح جانشینی دولت ها و قسمت دوم: وضع کنوانسیون آکتائو)»، در نشریه پژوهشهای حقوقی، به ترتیب در شماره های ۴۹ (بهار ۱۴۰۱، صص ۷-۳۸) و ۵۰ (تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۱-۳۷) به چاپ رسیدند. در قسمت اول این دو رشته مقالات اهم مواضع و مسائل مطروحه از ناحیه نویسندگان و مراجع ایرانی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در مورد جانشینی نسبت به معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی، از حیث قابلیت تحقق جانشینی و چهارچوب و دامنه فرضی آن و همچنین ظرفیت این رویکرد در برقراری یک رژیم حقوقی جامع و مطلوب در دریای خزر، به عنوان موضوعی شایسته ارزیابی تاریخی و تحلیلی حقوقی، مورد بررسی و موشکافی قرار گرفته است، تا استحکام مواضع مذکور به دقت سنجیده شود. با توجه به گستردگی و تمرکز مقالات

مذکور بر موضوع خاص رژیم حقوقی دریای خزر، از بیان مطالب این مقالات در چاپ دوم کتاب حقوق جانشینی خودداری شده و خواننده علاقه‌مند برای مطالعه دقیق‌تر این موضوع به متن مقالات یادشده ارجاع داده می شود.

امید است چاپ دوم کتاب حقوق جانشینی دولت و نشر تأمّلات و دیدگاه‌های نویسنده در مورد مباحث جانشینی دولت بتواند در گسترش، تشویق و ارتقای بحث مؤثر افتد.

از آقایان دکتر حسین پیران برای مطالعه چاپ اول و ارائه پیشنهادهای اصلاحی ویرایشی و دکتر کمال جوادی برای مطالعه چاپ اول و ارائه پیشنهادهای اصلاحی از جمله در مبحث رویه داوری سرمایه‌گذاری در مورد جانشینی دولت، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. بدیهی است که مسؤولیت تمام اظهارات، مطالب و مباحث کتاب تماماً برعهده اینجانب است.

سیّد جمال سیفی

شهریور ۱۴۰۲ / اوت ۲۰۲۳ / لاهه

گفتار مقدماتی:

مفهوم «جانشینی دولت» و پیشینهٔ آن

۱. مفهوم «جانشینی دولت»

به ساده‌ترین بیان، «جانشینی دولت»[1] عبارت است از «جایگزینی یک دولت با دولت دیگر از حیث مسؤولیت [ادارهٔ] روابط بین‌المللی یک سرزمین».[2] فرد اجلای این جایگزینی، کسب حاکمیت سرزمینی توسط دولت جدید یا جانشین به جای دولت سابق است، لیکن اَشکال دیگر کسب مسؤولیت ادارهٔ روابط بین‌المللی سرزمینی نیز قابل‌تصور است، مانند سرزمین‌های تحت سرپرستی یا تحت قیمومت یک دولت یا واگذاری حق ادارهٔ روابط بین‌المللی سرزمین بدون انتقال حاکمیت سرزمین به دولتی یا بازگشت مسؤولیت اداره از آن دولت به دولت قبلی. به عنوان نمونه، دولت انگلستان همچنان در مجمع‌الجزایر چاگوس مدعی قدرت «اداره»[3] (و نه حاکمیت) است. بااین‌همه، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد که «انگلستان متعهد است که هرچه سریع‌تر به ادارهٔ خود بر مجمع‌الجزایر چاگوس پایان دهد».[4]

---

1. State succession
2. "Succession of States" means the replacement of one State by another in the responsibility for the international relations of territory.

چنین تعریفی در تمام اسناد بین‌المللی مربوط به جانشینی دولت‌ها ذکر شده است:

(۱) کنوانسیون وین راجع به جانشینی دولت‌ها در معاهدات (۱۹۷۸)، ماده‌ی ۲ (۱) (ب)؛

(۲) کنوانسیون وین راجع به جانشینی دولت‌ها در اموال، اسناد و بدهی‌ها (۱۹۸۳)، ماده‌ی ۲ (۱) (الف)؛

(۳) مواد راجع به جانشینی دولت ها در تابعیت اشخاص حقیقی (کمیسیون حقوق بین الملل، ۱۹۹۹)، ماده‌ی ۲؛ و

(۴) پیش‌نویس موقت مواد راجع به جانشینی دولت‌ها در مسؤولیت دولت (کمیسیون حقوق بین الملل، تا سال ۲۰۲۱)، ماده ۲ (ب).

باید توجه داشت که عبارت «مسؤولیت» در تعریف جانشینی دولت به معنای مسؤولیت بین‌المللی در معنای رایج کلمه (یعنی تحقق مسؤولیت بابت نقض تعهد بین‌المللی) نیست. در واقع، مسؤولیت در تعریف جانشینی به معنای «متکفل سرزمین شدن» و «ادارهٔ سرزمین مربوطه» است.

3. Administration
4. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, ICJ Rep 2019, para. 183.

این سخنان بدین‌معناست که لزوماً هرتصرف سرزمین نمی‌تواند جایگزینی یک دولت به جای دولت دیگر از حیث مسؤولیت اداره سرزمین تلقی شود و به جانشینی بینجامد. به عنوان نمونه، کسب سرزمین از طریق توسل به زور ـ ازآنجاکه با قواعد جاری و قواعد آمرهٔ حقوق بین‌الملل مغایرت دارد ـ به برعهده گرفتن مسؤولیت اداره و درنتیجه جانشینی منتهی نمی‌شود و می‌توان آن را صرفاً اشغالی نظامی محسوب نمود. به‌علاوه، جانشینی دورنمایی دائمی دارد و بنابراین تغییرات موقتی ناشی از اشغال نظامی، نمایندگی یا اعطای حقوق انتفاعی یا ارتفاقی به‌واسطهٔ معاهدات را نمی‌توان از مصادیق جانشینی محسوب نمود.[۵] جانشینی به روش‌های مختلفی امکان ظهور و بروز دارد و ازجمله شامل مواردی از قبیل «انحلال»،[۶] «جدایی»،[۷] «استعمارزدایی»،[۸] «ادغام»،[۹] «واگذاری» (بخشی از سرزمین)[۱۰] و «الحاق»[۱۱] می‌شود.

درهرحال در صورت وقوع جانشینی، مسائل و معضلات حقوقی بسیاری بروز می‌کند که هم به روابط «دولت سابق»[۱۲] و «دولت جانشین»[۱۳] مربوط می‌شود و هم رابطهٔ دولت‌های جانشین و «دولت‌های ثالث» را متأثر می‌سازد مانند مبحث جانشینی نسبت

---

5. James Crawford, *Brownlie's Principles of Public International Law*, Cambridge University Press, 2012), p. 423.
6. Dissolution = dismemberment
7. Secession

به تعبیر برخی، گرچه در معنایی موسع، «جدایی» (secession) مترادف با «جدا شدن» (separation) در نظر گرفته می‌شود، با این همه در معنایی مضیق چنین نیست. در این معنا، «جدا شدن» صرفاً به واقعیتی بیرونی و عینی اشاره دارد (یعنی صِرف جدا شدن بخشی از سرزمین از سرزمین دولت مادر)، در حالی که «جدایی» معنایی حقوقی نیز دارد. در این معنا، اعتراض دولت مادر به وقوع چنین امری، «جدا شدن» را تبدیل به «جدایی» می‌کند. با این همه، در غالب موارد، «جدایی» دیر یا زود با رضایت دولت مادر همراه می‌شود.

Cf. Daniel Thürer, Thomas Burri, 'Secession', *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, 2009:

> The objection by the State turns separation, if it occurs, into secession. The unilateral withdrawal from a State of a constituent part, with its territory and its population, constitutes secession *stricto sensu* ... Secessions in this sense of the term are a rare occurrence … [S]ince 1945 there has not been a single separation of a constituent part from a State to which the latter has not, sooner or later, given its consent.

8. Decolonization
9. Merger
10. Cession
11. Annexation
12. Predecessor State
13. Successor State